روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
یکشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۱ • ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ • ۶ نوامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۱۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۰
اذان صبح فردا ۵:۰۰ • طلوع آفتاب ۶:۲۵

روزنامه شرق

◆ بافت قدیمی مجیدآباد در شمال شرقی همدان، یکی از نقاطی است که به واسطه بی‌توجهی مدیریت شهری به این منطقه، آلودگی‌های محیطی و جسمی زیادی را برای ساکنان آن در برداشته است.
عکس: پوریا پاکیزه، ایسنا

دیالوگ روز

انیمه حمله به تایتان- تتسورو آراکی - ۲۰۱۳

مهم نیست دنیا چقدر ترسناک باشه،
مهم نیست دنیا چقدر بی‌رحم باشه،
هیچ‌کس نمی‌دونه آخر ماجرا چه اتفاقی خواهد افتاد،
پس راهی رو انتخاب کن که کمتر پشیمون بشی.

گذشته‌خوانی

انسان آینده و صورتی که آشنا نیست

۹ سال پیش

در خرداد ۹۲ ایسنا تحقیقی را درباره انسان آینده منتشر کرد. میکولای لام، محقق انگلیسی، در پاسخ به این سؤال که با وجود فناوری‌های پوششی کنونی مانند عینک گوگل، سر انسان و چهره آن در ۲۰ هزار، ۶۰ هزار یا حتی صد هزار سال آینده چگونه خواهد بود، تحقیقاتی را انجام داد. این تحقیق با همکاری دکتر الان کوان از دانشگاه واشنگتن انجام شده بود و تصاویری را طراحی کرده که شکل احتمالی تکامل‌یافته آینده انسان را پیش‌بینی کرده‌اند.

دکتر کوان بر این باور بود که چشم‌ها با استقرار نوع بشر در منظومه شمسی و زندگی در محیط‌های تاریک‌تر مستعمره‌های دور از خورشید، به شکل دلسردکننده‌ای بزرگ خواهند شد.

پوست نیز از رنگدانه بیشتری برخوردار خواهد بود که به کاهش آسیب‌های تابش مضر فرابنفش در خارج از لایه محافظ ازن کمک خواهد کرد.

کوان همچنین پیش‌بینی کرده که انسان‌ها در آینده از پلک‌های ضخیم‌تر و قوس ابروی برجسته‌تری برای سازگاری با تاثیرات گرانش کم‌برخوردار خواهند بود.

همچنین در صد هزار سال آینده ضرورت‌های کاربردی دیگری مانند سوراخ‌های بزرگ‌تر بینی برای تنفس آسان‌تر در محیط‌های غیر از زمین و موهای متراکم‌تر برای جبران ازدست‌دادن گرمای بدن در سرهای بزرگ نیز خواهد بود.

کوان همچنین پیش‌بینی کرده که در آینده با وجود پیشرفت‌های فناوری بیشتر در زیر پوست، گرایش‌ها به سوی چهره‌های طبیعی‌تر خواهد بود.

۵ سال پیش

این تحقیقات ادامه داشت به‌طوری‌که پنج سال پیش نیز مجموعه‌ای از جواب‌ها درباره شکل آینده انسان منتشر شد. دکتر آلن وان، دارای مدرک دکترای بیولوژی و ارزیابی ژنومی از دانشگاه واشنگتن، بر این باور است که انسان‌های آینده بلندقدتر هستند و مغز و چشمان بزرگ‌تری خواهند داشت.

همچنین انسان با مهاجرت به کرات و کهکشان‌های دیگر، در مناطقی سکونت خواهد کرد که تاریک‌تر از سیاره زمین خواهد بود. همین موضوع باعث بزرگ‌ترشدن چشم‌ها و نیز افزایش رنگ‌دانه‌های پوست می‌شود تا به این ترتیب از خطرات ناشی از امواج یووی در امان بماند.

همچنین طبق فرضیه محتمل دیگری بر اساس گفته دکتر گرت فریزر، انسان‌های آینده به جای دندان، منقار خواهند داشت و انسان با گذشت زمان تا حدودی شَبیه به پرندگان خواهد شد. این محقق معتقد بود که در نتیجه تغییر سبک زندگی و عادات غذایی انسان مدرن، تعداد محدود دندان‌ها، دیگر کارایی گذشته را نخواهد داشت.

۴۰ روز پیش

همچنین در مهرماه امسال در مقاله‌ای به تغییراتی که اعضای بدن انسان در آینده دچارش خواهند شد، اشاره شده است، ازجمله:

* ممکن است انگشتان دستان و پایمان به هم چسبیده شوند. در قرون آینده، با توجه به خطر گرمایش زمین، ممکن است انگشتان دست و پای انسان به هم چسبیده شود تا بهتر بتواند شنا کند و سریع‌تر در آب حرکت کند.

*ممکن است قفسه سینه‌مان کوچک‌تر شود.

تنفس زیر آب بدون تجهیزات پیچیده، در حال حاضر، امری غیرواقعی به نظر می‌رسد. اما اگر قرار باشد به خاطر بالاآمدن آب دریاها در زیر آب زندگی کنیم، حتما دچار تغییراتی می‌شویم.

*ممکن است چشم‌ها بزرگ‌تر و گربه‌ای باشند.

*بسیاری از دانشمندان معتقدند انسان در سرتاسر منظومه شمسی ساکن خواهد شد. به همین دلیل بدن آنها به‌طور خودکار تحت تأثیر بی‌وزنی محیط قرار خواهد گرفت و برای همیشه با چین و چروک‌های پوست خداحافظی کنیم.

* دندان‌هایمان کوچک‌تر خواهند شد. علاوه بر دندان‌ها، فک‌مان هم ممکن است آب برود. این تغییر بیشتر شبیه به یک بیماری ناشی از سبک زندگی خواهد بود تا یک تغییر ژنتیکی.

* پاهایمان بزرگ‌تر خواهد شد؛ یعنی تغییرات آب‌وهوایی ممکن است منجر به به‌هم‌چسبیدگی و بزرگ‌ترشدن انگشتان پاهای انسان شود.

*اندازه بینی‌مان هم ممکن است در آینده به‌طور متوسط افزایش پیدا کند؛ این هم نتیجه تغییرات آب‌وهوایی خواهد بود، نه یک تغییر ژنتیکی.

۷ روز پیش

اما در چند روز گذشته تحقیق دیگری در رسانه‌های فارسی زبان منتشر شده که دوباره خواسته تا به این ایده که انسان‌های آینده چه شکلی خواهند داشت، جوابی دهد. تکان‌دهنده‌ترین پیش‌بینی در رابطه با آینده بشر مربوط است به جانورشناسی به نام داگلاس دیکسون که در کتابش با نام انسان پس از انسان - انسان‌شناسی آینده، فرضیه‌ای علمی را مطرح می‌کند که شکل ظاهری بشر در ۵۰ میلیون سال تکامل را پیش‌بینی کرده است. تئوری او بر اساس مهندسی ژنتیک و سفرهای فضایی انسان آینده طرح‌ریزی شده است. به باور دیکسون، با به پایان رسیدن تمدن بشر، گروهی از انسان‌ها به سیارات دورافتاده مهاجرت کرده و در نتیجه این مهاجرت‌ها، شکل فیزیکی آنها دچار تغییر خواهد شد.

اما در مطالعات اخیر و به‌طور خاص از یک نظرسنجی الهام گرفتند که نشان داد یک آمریکایی معمولی هفت ساعت در روز از اینترنت استفاده می‌کند و دانشمندان این پروژه تحقیقاتی انجام دادند که منجر به توسعه یک مدل سه‌بعدی به نام Mindy شد. طبق نتایج این تحقیقات، تغییرات عجیبی رخ خواهد داد. حدس محققان این است که با تداوم پیشرفت‌های تکنولوژیک و ورود فناوری‌های فوق‌پیشرفته به زندگی انسان، گردن‌درد تنها ثمره این پیشرفت‌ها نخواهد بود و ممکن است چشمان‌مان از یک پلک دوم هم برخوردار شوند. این پلک دوم مانند یک فیلتر عمل می‌کند و نور اضافی ابزارهای فناوری را می‌گیرد. همچنین دست‌هایمان بیشتر شبیه پنجه خواهند شد؛ شاید اسمش را هم بگذارند «پنجه‌موبایلی». علاوه بر این، احتمالا آرنج‌هایمان دیگر بیشتر از ۹۰ درجه خم نخواهند شد. علاوه بر این، جمجمه نیز ضخیم‌تر است تا به محافظت از بدن انسان در برابر امواج فرکانس رادیویی آسیب‌رسان که گفته می‌شود از گوشی‌های هوشمند می‌آیند، کمک کند.

سرمایه‌ای که در دست داریم

زهرا نژادبهرام

ملت ایران ملت بسیار بزرگی است؛ ملتی که هزاران سال سابقه تاریخی دارد، پویایی و حیات و زنده‌بودن خود را مدام یادآوری می‌کند و برای تغییر و پیشرفت گام برمی‌دارد. این ملت، ملت هوشیاری است و نسبت به تمام اتفاقاتی که درون جامعه خود رخ می‌دهد، واکنش نشان می‌دهد و دست برتر دارد. می‌تواند مطالبه‌گر باشد و نسبت به تمام اتفاقاتی که درون جامعه ایران رخ می‌دهد، واکنش نشان می‌دهد و تحلیل دارد.

این سرمایه‌ای است که ملت ایران دارد و در مقاطع مختلف تاریخی این رویکرد خود را به نمایش گذاشته است. از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی تا اعتراضاتی که در چهل‌واندی روز گذشته نشان می‌دهد، همه نشانگر هشیاری و زنده‌بودنش است. زنده‌بودن به این معنا که می‌تواند تشخیص دهد می‌تواند بشنود و بگوید.

هر جامعه‌ای که این ظرفیت را داشته باشد، سرمایه بزرگی را در اختیار دارد. این ملت می‌تواند حرف‌ها و خواسته‌هایش را به روشنی بیان کند و هرجا که لازم بود برای دفاع از کیان کشورش قد علم کند و حتی جان خود را بدهد.

با این مقدمه می‌خواهم اشاره کنم که اعتراض محصول جامعه رو به پیشرفت است؛ جامعه‌ای که ناظر است، پویاست و رو به حرکت است وگرنه ایستا است و راکد و مفهوم اعتراضی به او ارتباطی پیدا نکند؛ چراکه امکان دیدن و شنیدن و تجزیه و تحلیل را از خود سلب می‌کند و بدون تحرک می‌شود.

اساسا جوامعی که روح هویت و نظاره‌گری در آنها مخدوش شده و به نوعی دچار سکون و عادت شده باشد، از مفهوم واکاوی و نقد دور می‌شوند.

ایران با این تجربه هزاران‌ساله و دو انقلاب نشان داده مردمی همیشه در صحنه و پویا دارد که به عادت‌ها فائق می‌آیند و قادر هستند با مطالبه‌گری، شنیدن و گفتن راهشان را برای آینده تعریف کنند.

در این رویکرد جامعه امروز با بیش از ۱۷ میلیون نفر افراد دارای تحصیلات عالیه و در حال آموزش در دانشگاه و افزون بر ۳۰ درصد جوان بالای ۱۵ سال، تصویری متفاوت از زندگی خود را بر اساس آرزوها و ایدئال‌های خود تعریف می‌کند و شهر کانون و فرصت برای بیان این ایدئال‌هاست. شهرهایی که مکان‌ها و کانون‌هایی برای بیان اعتراضات فراهم می‌کنند، یقینا موفق‌تر از شهرهایی هستند که اولا اعتراض را به رسمیت نمی‌شناسند و دوم مکان و فرصت و اجازه بیان اعتراض را فراهم نمی‌کنند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل ۲۷ به صراحت اعتراض مورد پذیرش قرار گرفته است و اجازه داده شده که ملت در هر موردی که به نظرشان می‌رسد و مشکلی با آن دارند، تجمع کرده و مطالبشان را بیان کنند.

در دور پنجم شورای اسلامی شهر تهران، مصوبه‌ای از سوی اعضای شورا تدارک دیده شد که مکان‌های پرتردد و اثرگذاری را برای تجمع و بیان اعتراضات ایجاد شود، اما متأسفانه این مصوبه به بن‌بست برخورد کرد و امکان ایجاد آن فراهم نشد.

حتی دولت آقای روحانی هم در این زمینه وارد عمل شد، اما به دلایل متعددی که حداقل برای من پذیرفتنی نیست، آن‌هم به بن‌بست برخورد کرد.

اکنون با توجه به ضرورت‌ها و با توجه به محدودیت‌ها و با دقت به ضرورت چنین امکانی، لازم است دوباره آن مصوبه شورای شهر بازخوانی شود و از آنجا که اعتراض در قوانین بالادستی کشورمان ایران مورد پذیرش قرار گرفته و شناخته شده است و امروز مردم معترض هستند و می‌خواهند اعتراضشان را بیان کنند، این مکان‌ها می‌تواند فرصتی برای اعتراض بدون خشونت مردم فراهم کند.

این مهم در قالب راهپیمایی‌ها و تجمع‌هایی است که امنیت آن باید از سوی نیروی انتظامی فراهم شود. این میسر نمی‌شود مگر اینکه ما ایجاد ظرفیت‌های لازم در شهر را تدارک ببینیم.

مردم حرف برای گفتن دارند و نیاز به شنیده‌شدن دارند؛ چراکه صاحبان اصلی کشور مردم هستند. بر اساس نظرسنجی‌ای که در شهریور گذشته انجام شده است، نزدیک ۸۰ درصد مردم معترض هستند؛ معترض به انواع و اقسام چیزهایی که درون جامعه است. آنها می‌خواهند اعتراض خودشان را بیان کنند.

برای پیشگیری از خشونت، برای ایجاد همدلی بیشتر، برای شنیده‌شدن، برای دیده‌شدن، ما نیازمند ایجاد چنین ظرفیت‌هایی هستیم.

خیابان متعلق به مردم است، اما امکان تأمین امنیت برای معترضان در خیابان بسیار دشوار است. بااین‌حال، اگر ظرفیت‌های لازم از سوی نهادهای ایجاد امنیت فراهم شود، یقینا فرصت برای گفتن بیشتر است، از خشونت پیشگیری می‌شود و امنیت لازم برای معترض فراهم می‌شود.

اعتراضات خیابانی چه در تأیید یک امر، چه در اعتراض و مخالفت با یک امر، یکی از متداول‌ترین رفتارهای شهروندان در طول سال‌های اخیر بوده است؛ به‌ویژه در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به شکل‌های مختلف از آن سود برده می‌شد و ما شاهد آن بودیم. اکنون چرا باید از این ظرفیت دور بمانیم؟

این سرمایه کشور است، سرمایه در دست مردمان این کشور است.

صاحبان قدرت از این ظرفیت باید استقبال کنند؛ مردمانی هوشمند که نسبت به تمام وقایعی که در کشورشان می‌گذرد، حساسیت دارند و واکنش نشان می‌دهند. مردمی که نسبت به وطن خود احساس علاقه و عرق دارند.

چرا از ظرفیت مردم مسئول و سرمایه هوشمندی و همدلی آنان استفاده نمی‌شود؟ چرا از گفته‌ها و خواسته‌هایشان استقبال نمی‌شود؟ این فضا میسر نمی‌شود مگر آنکه فضاهایی برای بیان خواسته و اعتراضات در یک محیط امن فراهم شود. ایجاد امنیت مانع از بروز خشونت می‌شود. خشونت، آفت مدیریت شهر است و برای ممانعت از خشونت و برای شنیدن حرف معترضان باید فضای مناسب فراهم شود و این فضا ممکن نمی‌شود مگر اینکه تصمیم جدی در پذیرفتن و شنیدن اعتراض‌ها گرفته شود.

یادداشت

دانشگاه پایگاه علم است

معین شرقی
حقوق‌دان

تداوم تنش‌ها بین دانشجویان و مدیران و مسئولان اجرائی دانشگاه‌ها در پی اعتراضات دانشجویی دغدغه گسترده‌ای را برای آینده فضای علمی کشور ایجاد کرده است. این روزها تصمیمات حراست و رؤسای دانشگاه‌ها نه‌تنها باعث فروکش‌کردن آتش «تنش‌ها» نشده، بلکه بحران را گسترش نیز داده است و از طرفی مشکلات و نگرانی‌های اساسی برای خانواده دانشجویان بابت این جو ملتهب ایجاد شده است. شخص وزیر علوم و رؤسای دانشگاه نه در شمایل یک فرد بی‌طرف، بلکه در قامت فردی که در یک سوی ماجرا ایستاده، عمل می‌کنند. رفتارهای تند حراست دانشگاه‌ها با دانشجویان منتقد و معترض از یک طرف و اظهارنظرهای عجیب شخص وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها باعث شد تا دامنه بحران از روزهای ابتدایی تا امروز ادامه‌دار شود. آغاز تنش‌ها به اوضاع پرماجرای دانشگاه صنعتی شریف بازمی‌گردد که باعث حضور وزیر علوم و رئیس دانشگاه شریف در این دانشگاه شد. صحبت‌های وزیر علوم با دانشجویان نه‌تنها آبی نبود که آتش را خاموش کند، بلکه باعث افزایش خشم دانشجویان شد؛ خشمی که به نظر می‌رسد هنوز فروکش نکرده است که بی‌تدبیری مسئولان اوضاع را وخیم‌تر کرد و باعث انتقاداتی جدی شد. وزیر علوم نامحترمانه دانشجویان معترض را متهم به بی‌قانونی و هدردادن بیت‌المال می‌کند و با لحنی تند و ناشایست، به دانشجویان تأکید می‌کند که به خاطر هدردادن بیت‌المال باید در دنیا و آخرت جواب‌گو باشید و هرگز نیز گمان نکنید که می‌توانید هرچه دل‌تان خواست بگویید و ما با شما برخوردی نکنیم، بی‌شک برخورد جدی و قاطعانه صورت خواهد گرفت؛ اما موضوع ریشه‌ای‌تر از آن است که وزیر محترم بیان می‌کند. بی‌برنامگی و بی‌تدبیری‌های کهنه که ریشه در سال‌ها مدیریت ناصحیح دارد و نبود راهکار برای درک بهتر شرایط اجتماعی، اقتصادی و اندک معیشت فعلی قشر روشنفکر جامعه که در تلاش برای نیل به اهداف و استراتژی‌های بلندمدت زندگی خود هستند، اصلی‌ترین عامل اعتراضات دانشجویی است. مطلب مهم‌تر آنکه استراتژی مدیریت و پاسخ به اعتراضات دانشجویی از اساس ناصحیح است. لازمه هر نوع زندگی اجتماعی بیان مشکلات و گفت‌وگو و انتقاد و تعامل است؛ اما متأسفانه نحوه برخورد با معترضان دانشجویی که آینده‌سازان این مرزوبوم هستند و خلط آنها با اوباش و نصب برچسب اتهام و اغتشاش‌گری به آنان، مانند بنزین روی آتش است.

سؤال مهمی که مطرح می‌شود، این است که معیار تمییز اعتراض و مطالبه‌گری که در اصل ۲۷ قانون اساسی از آن یاد شده است، با اغتشاش چیست؟ هیچ توجه شده است که اغلب اعتراضات دانشجویی در تاریخ جمهوری اسلامی منتهی به بحران شده است؟ دقیقا چه سازوکاری برای مدیریت و شنیدن صدای اعتراضات وجود دارد؟

اصلا چرا باید نیروهای انتظامی وارد فضای آموزشی کشور شوند؟ حال تصور کنید عده‌ای هم با البسه شخصی باشند. اساسا فلسفه لباس فرم برای نیروهای مسلح -اعم از نظامی و انتظامی- این است که اگر پوشنده این لباس مثلا کسی را دستگیر می‌کند، ناظران احساس نکنند کسی ربوده می‌شود، بلکه بدانند که یک مأمور پلیس در حال انجام وظیفه قانونی است و جای نگرانی ندارد. حال اگر قرار باشد افرادی بدون لباس فرم رسمی، وارد دانشگاه شوند یا در معابر عمومی افراد را جلب و سوار خودروهای شخصی کنند و ببرند، چه تضمینی وجود دارد که افرادی هم با سوءاستفاده از شرایط پدیدآمده، تبهکاری‌ها و انتقام‌جویی‌های شخصی‌شان را شکل ندهند؟

اینها فقط بخش کوچکی از دغدغه‌های ذهنی این روزهای اقشار فرهنگی و دانشجویی است.

بر اساس لایحه‌ای که سال ۷۹ پس از حوادث تلخ تیرماه ۷۸ در کوی دانشگاه تهران پدید آمد، ورود نیروهای نظامی و انتظامی بدون هماهنگی حراست و تأیید مدیران دانشگاهی به داخل اماکن آموزشی ممنوع شد؛ اما فرای مباحث قانونی، آیا از نظر منطقی و اخلاقی می‌توان اعتراضات دانشجویی را که عمدتا دغدغه‌های فعلی کشور است، نشنید و به بحران و خشونت کشاند؟

آقای رئیس‌جمهور، شما فرمودید که کسی حق تعرض به فضای مقدس دانشگاه را ندارد؛ یعنی واقعا از وقایع این روزهای دانشگاه‌ها مانند حوادث دانشگاه آزاد تهران شمال یا مشهد خبر ندارید؟ چرا سازوکاری درست، جدی و منطقی برای شنیدن اعتراض دانشجویی ندارید؟ علت ممنوعیت ورود دانشجویان به دانشگاه‌ها چیست؟

آیا ملموس نیست که بازماندن جوان و دانشجو از تحصیلش اثر مخرب مستقیم روی آینده کشور و ایشان دارد؟ آیا راه مدیریت این مسئله پرونده‌سازی و احیای رسومات گذشته مثل ستاره‌دارکردن و محرومیت از تحصیل و... دانشجویان که سکان‌دار آینده کشور هستند، است؟ واقعا از حجم گسترده مهاجرت نخبگان بی‌اطلاع هستید؟ چرا باید فضای دانشگاه به سمتی برود که دغدغه دانشجویان پس از هزینه‌های گزاف در این کشور مهاجرت و ارائه ثمر به جوامع بیگانه باشد؟

والله که موضوع بسیار روشن است. بی‌پرده بگویم دغدغه جوانان این روزها قیمت صعودی ارز و بی‌ارزشی روزافزون پول ملی کشور است و اصلا مسائل حجاب و... مطرح نیست. بگذارید واقعیت را بگویم، دانشجویان برای بیان اعتراضات خود نیاز به گوش شنوای مورد وثوق و معتمد دارند، فرستاده شما، سخنگوی دولت‌تان تیغ برنده‌ای برای ختم این غائله ندارد.

در آخر جناب رئیس‌جمهور، این رویه و تدبیر فعلی نمی‌تواند آبی روی آتش اوضاع این روزها باشد.

هنرخوانی

چهره‌های ممنوع‌الخروج

بهرام رادان، بازیگر سینما و تلویزیون اعلام می‌کند که قصد سفر به یک کشور خارجی را دارد، اما دقایقی قبل از پرواز، دو جوان در مقابل او قرار می‌گیرند و به بهانه ممنوع‌الخروجی، پاسپورت او را ضبط می‌کنند و از این بازیگر می‌خواهند که به مراجع قانونی مراجعه کند. به گزارش خبرگزاری دانشجو او در ویدئویی چنددقیقه‌ای که منتشر کرده، گفت: «جمعه‌شب مأمورنماها در فرودگاه گفتند ممنوع‌الخروج هستم. آنها نه کارت شناسایی داشتند نه حکم قضائی به من نشان دادند».

پلیس‌من

بهرام رادان پس از خروج از فرودگاه به سامانه ثنا مراجعه می‌کند که متوجه می‌شود ممنوع‌الخروج نیست و حال سؤال بزرگی برای این بازیگر مطرح کشورمان به وجود آمده است که آن دو جوان با چه اهدافی این اقدام را انجام دادند؟

البته دو هفته پیش سردار علی ذوالقدری، رئیس پلیس مهاجرت و گذرنامه فراجا، در گفت‌وگو با تسنیم گفت: «افرادی که قصد دارند به خارج از کشور سفر کنند، می‌توانند با مراجعه به اپلیکیشن «پلیس من» با واردکردن کدملی و مشخصات خود از ممنوع‌الخروج‌بودنشان اطلاع پیدا کنند و اقدامات لازم را برای پیگیری آن انجام دهند». وی تأکید کرد پیامکی مبنی‌بر ممنوع‌الخروج‌بودن برای کسی ارسال نمی‌شود و افزود: «هر فرد صرفا با مراجعه به سامانه «پلیس من» می‌تواند از ممنوع‌الخروج‌بودن خود مطلع شود و به اطلاعات دیگران دسترسی ندارد». ممنوع‌الخروجی ازجمله قرارهای نظارت قضائی تکمیل‌کننده، قرار تأمین یا مجازات تکمیلی است که مقام قضائی می‌تواند با استفاده از آن مانع خروج متهم از کشور شود. همچنین ممنوع‌الخروجی فقط تا شش ماه اعتبار دارد و بعد از آن کان لم یکن تلقی می‌شود. با این وجود قاضی می‌تواند در صورت لزوم این حکم را تمدید کند.

قطعه‌جدیدهمایون

روند ممانعت از خروج بازیگران، ورزشکاران، خواننده‌ها و خبرنگاران از ایران در ۵۰ روز گذشته که از آغاز اعتراضات می‌گذرد، رو به افزایش است؛ چراکه پیش‌تر هم چند بازیگر و خواننده از ممنوع‌الخروجی خود گفته بودند. علی دایی و مهران مدیری اولین کسانی بودند که پس از ورود به کشور اعلام کردند پاسپورت آنها ضبط شده؛ همین‌طور ضبط گذرنامه همایون شجریان و سحر دولتشاهی از پرحاشیه‌ترین موارد بود. البته اعلام شد که برای برخی این مسئله برطرف شده است؛ ازجمله اعلام شد «همایون شجریان» پاسپورت خود را دریافت کرده، اما او تمام کنسرت‌هایش در اروپا را لغو کرد و جمعه‌شب نیز قطعه موسیقی به نام «خون از رخم بشوی» منتشر کرده و آن را به مردم ایران تقدیم کرده است. این قطعه بر اساس سروده فریدون مشیری است. همچنین چندی پیش مانی حقیقی که برای شرکت در جشنواره لندن در حال خروج از کشور بود این امکان را پیدا نکرد و با ارسال فیلمی به این جشنواره درباره «تفریق»، آخرین ساخته‌اش سخن گفت. حمید فرخ‌نژاد و مریم بوبانی، از بازیگران شناخته‌شده نیز هر دو در اینستاگرام از ممنوع‌الخروجی خود خبر دادند.